نگاه

روز صنعت؛ روز زخم تولید

حق آب و گل مشکلات

مریم میرزایی

هنوز سر پله مشکلات چند سال ایستاده است، شاید هم دیگر با چالش چند ساله حضور این مشکلات خو کرده باشد اما خستگی این سال‌ها حضور بر چهره صنعت ایران نمایان است. سال‌هاست هر وقت سری به صنایع زده می‌شود تا صنعتگران ایرانی از چالش‌ها بگویند، مشکلات چند ساله‌ای را بر می‌شمرند که معضلات جدید نیز بر آنها اضافه شده و راهی ناهموار را در مقابل صنعت ایرانی گذاشته است. دیگر همگان می‌دانند، صنعت در ایران یعنی مشکل نقدینگی، یعنی رقابت با واردات بی‌رویه در زمین خودی، یعنی قاچاق و عدم حمایت و یعنی تولید با کمترین ظرفیت ممکن. دیگر همگان می‌دانند اگر فردی بخواهد در ایران وارد صنعت شود و نام تولیدکننده را با خود همراه کند، باید این چالش‌ها را به جان بخرد و بعد وارد گود شود. باید در کنار این مشکلات نه تنها مشکلات جدید را پذیرا باشد، بلکه به مشکلات قدیمی که دیگر حق آب و گل دارند نیز خو کند. سال‌هاست هر وقت سر درد دل تولیدکننده‌ای باز می‌شود، از نرخ سود تسهیلاتی گفته که با نرخ سود در هیچ کشوری قابل رقابت نیست. هر وقت از صنعتگری از وضعیت تولید پرسیده شده، نگفته همه چی خوب است و جواب داده نمی‌توانیم در کشور خودمان با واردات رقابت کنیم و این یعنی باخت در زمین خودی. این روزها هر وقت به سراغ تولید می‌رویم و می‌گوییم از وضعیت بگویید، می‌شنویم که مشکلات همچنان پابرجاست و چیزی عوض نشده، تنها مشکلات جدید اضافه شده است که باید به آنها نیز عادت کرد.

همیشه حرف از این بود که صنایع ایرانی مزیت‌های تولید دارند، بهای انرژی در ایران پایین است و هزینه‌های حمل و نقل مناسب. صنعت ایرانی می‌تواند با این مزیت‌ها کار کند و رقابت را میهمان بازاری کند که حق طبیعی‌اش است، اما از آن محروم. اکنون چند ماهی است که سایه گرفته شدن این مزیت رقابت پذیری بر سر صنعت ایرانی افتاده، قیمت‌های انرژی راه واقعی شدن در پیش گرفته‌اند و بهای سوخت نیز قصد دارد با فوب خلیج‌فارس رقابت کند، تا نه از انرژی ارزان خبری باشد و نه حمل و نقل با قیمتی مناسب. این چالش جدید صنعت ایرانی است. تولید با افزایش هزینه‌ها بدون اجازه تعدیل قیمت تا به واسطه آن تولید صرفه داشته باشد. وقتی حرف از اجرای طرح تحول اقتصادی به میان آمد تولیدکنندگان ایرانی مقاومتی نکردند و گفتند؛ می‌توان کار کرد و این شاید بهره‌وری را افزایش دهد و تولید ایرانی را به رقابت پذیری وادارد، اما برای این مقاومت‌ناپذیری شرطی گذاشتند. از دولت خواستند از آنها حمایت شود. این خواسته به وعده‌هایی تبدیل شد که هنوز جنبه اجرایی به خود ندیده و تولیدکننده ایرانی همچنان چشم به راه حمایتی دارد که قرار بود ۳۰ درصد از درآمد ناشی از اجرای طرح را به بخش صنعت بیاورد و کمکی باشد برای قدم گذاشتن در راه بهره‌وری و پوشش بخشی از هزینه‌های تولید را برعهده بگیرد. در کنار این چالش‌ها شاید به نظر می‌رسید که نگرانی‌های تولید پایانی دارد و شاید این مشکلات مجموعه‌ای کم نقص از چالش‌های تولید را به نمایش می‌گذارد، اما تولیدکنندگان این روزها از مشکلات بانکی نیز می‌گویند که تامین مواد اولیه وارداتی را به میدان مشکلات کشیده است. تولیدکنندگان می‌گویند: تحریم‌های بانکی باعث شده مجبور باشیم مواد اولیه خود را به صورت نقدی وارد کنیم که این امر مشکل تامین نقدینگی را به معضل برای تولید بدل کرده است و هنوز مشکلاتی هست که صنایع با آن مواجهند، اما در مقابل مشکلات دیگر کمتر به چشم می‌آید. حق آب و گلی که مشکلات در صنعت ایرانی دارند در کنار مشکلاتی که هر روز سر بر می‌آورد کار را به جایی رسانده است که می‌گویند یا باید عاشق تولید باشی تا دوام بیاوری یا باید عطای تولید در کشوری که از تولیدکننده‌اش حمایتی نمی‌شود را به لقایش ببخشی و یک واسطه باشی و سود کنی و حق آب و گل مشکلات را نیز نپردازی. اینها همه واگویه‌هایی است که در روز صنعت؛ روز زخم تولید دوباره دهان به دهان صنعت می‌چرخد.

آیا می‌توان به ارایه آمارهای واقعی برای صنعت امید داشت

درهای نیمه باز پیش روی صنعتگران

نرگس رسولی

ورود برگه تقویم به تیرماه و روزهای گرم تابستان برای صنعتگران طی سال‌های گذشته با امیدی به آینده پیش رو همراه بوده است چرا که برگزاری جشنی ملقب به نام صنعت و معدن در دهه اول تیر برای این قشر امیدآور، روزگار خوش و برون رفت از وضعیت سخت صنعتگران است، امری که طی چند سال گذشته متاسفانه به دلایل مختلف تنها به ارایه گزارش عملکردی تکراری از سوی عالی‌ترین مقام مسوول وزارت صنایع و معادن منجر شده بود و صنعتگران تنها باید برای وعده‌های توخالی که در این روز به آنها داده می‌شد، کف شادی می‌زدند و دلخوش می‌کردند که شاید روزی این وعده‌های داده شده جامه عمل به خود بپوشد اما با گذشت روزها، ماه‌ها و حتی رسیدن سالروز وعده‌های داده شده صنعتگران نتوانستند روزگار خوشی که وعده آن هم، دلهایشان را خوش کرده بود را به چشم ببینند.

هرچند این روال و وعده‌های بی‌سرانجام منجر به دلزدگی صنعتگران و تولیدگران در سالروز جشن روز صنعت و معدن در سال گذشته شد و حتی منجر به عدم حضور برخی از مسوولان دولتی و خصوصی در این جشن‌شد که برای آنها ترتیب داده شده بود، اما باز هم از تعداد وعده و وعیدهای هر ساله کم نشد و دوباره، رییس‌جمهور و هم وزیر وقت به تکرار وعده های گذشته پرداختند. باز هم از حمایت‌های جدید خبر دادند که تنها بارقه‌های امیدی ضعیف را در دل صنعتگران روشن می‌کرد.

با این حال با دور جدید تغییر و تحولات در هیات دولت به نظر می‌رسد، باید در روز دهم تیر به عنوان روز صنعت و معدن یا به روال دو سال گذشته‌اش با تاخیر چند روزه در روزی که قرار است با نام صنعت و معدن مزین شده و جشنی برای صنعتگران گرفته شود، خبرهای جدیدی در حوزه صنعت و معدن شنیده شود.

البته امید به ارایه آماری از عملکرد دولت در بخش صنعت و معدن آرزویی بود که هر ساله در روز صنعت و معدن امید به تحقق آن می‌رفت ولی باز هم وزیر وقت صنعت و معدن در جشن روز صنعت و معدن ۸۹، نیز به ارایه گزارش عملکرد سالانه خود نپرداخت و تنها با مقایسه عملکرد برنامه سوم و چهارم که بارها موارد ریز آن عنوان شده بود جشن روز صنعت و معدن را در حضور چهره‌های مربوط و نامرتبط هیات دولت به پایان برد تا در مقابل دیدگان رییس‌جمهور به این متهم نشود که هیچ گزارشی ارایه نداده است.

هر چند که مسوولان وزارت صنایع و معادن سعی دارند تا با مقایسه عملکرد سال‌های گذشته عملکرد خود را واقعی و مثبت نشان دهند اما بر هیچ‌کس پوشیده نیست که صنعت کشور روزگار خوبی را پشت سر نمی‌گذارد و اگر وعده و وعیدهای مسوولان دولتی محقق نشود با برنامه‌های پیش‌رو در این بخش شاهد وضعیت ناخوش صنعتی خواهیم بود که البته اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها، بحران‌ها و تنش‌های منطقه‌ای، بازی با نرخ ارز و تصمیمات لحظه‌ای سیستم بانکی خود می‌تواند بر گرده صنعتگران فشار بیشتری را تحمیل کند.

شاید این خود دلیل موجهی برای ارایه ندادن گزارش عملکرد از سوی وزیر وقت صنعت بود چرا که ایشان از زمان تصدی پست وزارت در دولت همواره از زیر بار ارایه گزارش عملکرد سالانه شانه خالی کرده و حتی حداقل در سه سال گذشته (تا زمان وزارتش) هیچ نشست خبری را با رسانه‌ها نداشته است تا رسما به سوالات خبرنگاران پاسخ دهد. محرابیان تنها در مواردی که به مدد افتتاح یا بازدید از زیر مجموعه‌های وزارت صنایع در جمع خبرنگاران قرار می‌گرفت ابتدا به گزارش بازدید پرداخته و در نهایت به تعدادی از سوالات خبرنگاران پاسخ می‌داد و در موارد متعدد از پاسخ‌گویی به سوالات دیگر خبرنگاران شانه خالی می‌کرد که البته این امر به سطح مدیریت روابط عمومی این وزارتخانه نیز مربوط می‌شود چرا که طی سه سال گذشته از تصدی محرابیان در پست وزارت صنایع و معادن هیچ گاه طبقه سوم و دهم این وزارتخانه با یکدیگر هماهنگ نشدند و صندلی مدیریت روابط عمومی وزارت صنایع و معادن افراد مختلفی را برای تصدی پست مدیر کلی روابط عمومی خود دید.

با این حال، به نظر می‌رسد دوران عدم ارایه گزارش‌های عملکردی به پایان رسیده است چرا که حسین قضاوی، معاون اقتصادی بانک مرکزی تنها یک روز پس از برکناری محرابیان از بدنه وزارت صنایع و معادن به ارایه گزارش عملکرد ارزش افزوده بخش صنعت و معدن در سال‌های ۸۷ را ۴/۶ درصد اعلام کرد این در حالی است که همواره از سوی مسوولان وزارت صنایع و معادن بالای ۱۰ درصد عنوان می‌شد.

به این جهت بود که سرانجام پس از گذشت نزدیک به ۲۵ ماه نرخ رشد ارزش افزوده بخش صنعت و معدن در سال ۱۳۸۷ اعلام شد. رقمی که نشان می‌دهد اهداف تعیین شده در آن سال برای بخش صنعت و معدن کشور محقق نشده هر چند که این آمار در شرایطی که رشد اقتصادی کشور در هر سال مطابق برنامه چهارم نبوده، نمی‌توان توقع داشت که رشد بخش صنعت طبق برنامه پیش رفته باشد.

البته سید شمس‌الدین حسینی، وزیر اقتصاد نیز نرخ رشد صنعت کشور در نیمه نخست سال ۱۳۸۷ را حدود ۷/۴ درصد اعلام کرده بود، اما نکته جالب اینجاست که به گفته معاون اقتصادی بانک مرکزی، نرخ رشد صنایع در سال ۱۳۸۸ تنها ۱/۹ درصد بوده است اگرچه قضاوی معتقد است زیرمجموعه‌های بخش صنعت در سال ۱۳۸۸ اوضاع بهتری داشتند، اما روند رشد در بخش‌های دیگر کمتر از معادن بود.

نرخ ارزش افزوده بخش صنعت و معدن کشور معمولا از روی وضعیت تولید سبدی از کالاهای مهم صنعت و معدنی در واحدهای تولیدی منتخب کشور محاسبه می‌شود. این سبد در واقع گلچینی از کالاهای استراتژیک، واحدهای بزرگ صنعتی و تولیدی کشور بوده که بخش عمده‌ای از سهم تولید کشور را در اختیار دارند.

باید توجه داشت که همواره نرخ رشد ارزش افزوده بخش صنعت و معدن در برنامه چهارم از اهداف تعیین شده عقب مانده است. هرچند مسوولان صنعتی کشور اعتقاد دارند در شرایطی که رشد اقتصادی کشور در هر سال مطابق برنامه چهارم نبوده، نمی‌توان توقع داشت که رشد بخش صنعت طبق برنامه پیش رفته باشد. اگر چه بخش معدن همواره جلوتر از بخش صنعت بوده و طی سال‌های گذشته وزیر جوان دولت بر آمار معدنی رشد یافته تکیه کرده و آن را عاملی برای تحقق وعده‌های خود قلمدادمی‌کرد.

براساس آخرین آمار بانک مرکزی، نرخ رشد بخش صنعت در سه سال نخست برنامه چهارم توسعه یعنی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ به ترتیب معادل ۱۳/۶درصد، ۱۰/۷درصد و ۸/۳درصد بوده است. هدف برنامه اما عدد ۱۱/۲ درصد بود.

سال قبل وزارت صنایع و معادن طرحی را برای بروزرسانی اطلاعات واحدهای صنعتی و معدنی در سراسر کشور به اجرا درآورد. هدف از اجرای این طرح دسترسی به جدیدترین آمارهای تولیدی در کشور بود. باید دید آیا نتایج حاصل از اجرای این طرح باعث خواهد شد نرخ رشد ارزش افزوده بخش صنعت و معدن در سال ۱۳۸۹ در آینده نزدیک اعلام شود یا خیر؟ یا مهدی غضنفری به عنوان یار جدید محمود احمدی‌نژاد، رییس‌جمهور در هیات دولت می‌تواند بنا را بر آن بگذارد تا در دوران وزارتش بر این وزارتخانه با ارایه گزارش‌های مختلف عملکردی درهای بسته آماری را روی صنعتگران باز کند تا شرایط برای این گروه ملموس‌تر شود.

گریبان صنعت سرب و روی در دستان مواد اولیه

معدنی‌ها در محاق

یوسف مرادلو*

صنعت سرب و روی در یک سال گذشته با بد و خوب مقررات و تصمیم‌هایی که برایش گرفته شده، ساخته است و همواره با مشکلات بسیاری روبه‌رو بوده که تولید و ادامه حیات این صنعت را به چالش کشیده است. البته این مساله برای بسیاری از صنایع و شاخه‌های مختلف صنعتی وجود داشته، منتها شاید برای صنعت سرب و روی فضا تا حدی متفاوت است. در آستانه روز صنعت وقتی از دور به جریان تولید نگاه می‌کنی به وضوح مشخص است که صنعتگران همواره با مشکلات متعددی دست به گریبان بوده‌اند.

در دو سال گذشته، بحث واگذاری معدن انگوران به عنوان معدن اصلی تامین‌کننده مواد اولیه صنعت سرب مطرح بوده است تا به واسطه این واگذاری، مشکل تامین مواد اولیه این صنعت حل شود اما تاکنون این مهم محقق نشده و در کنار آن؛ نگرانی‌ها از افزایش هزینه‌های تولید با اجرای طرح تحول اقتصادی نیز به جمع مشکلات این صنعت اضافه شده و اگر دولت وعده‌هایی که در راستای اجرای طرح تحول اقتصادی به صنایع داده بود، عملیاتی کند، ما نیز در صنعت می‌توانیم ادامه حیات بدهیم.

اما این وعده‌ها هنوز محقق نشده باقی مانده‌اند، در حال حاضر مواد معدنی با مشکلات بسیار به دست ما می‌رسد و با ادامه این روند تامین مواد اولیه، شاید امسال بتوانیم تنها با ۳۵ درصد ظرفیت‌ها کار کنیم.

بهره‌برداری از یک‌سوم ظرفیت‌های تولید در هیچ اقتصادی مقرون به صرفه نیست. این در حالی است که در این میان باید برای تامین مواد اولیه خود، دست به دامان دولت شویم تا بتوانیم مشکلات تامین مواد اولیه را حل کنیم. همین مساله، آینده این صنعت و بسیاری از صنایع دیگر را با نگرانی همراه می‌کند.

به نظر می‌رسد با توجه به اینکه این صنعت، ظرفیت‌های خالی چشمگیری دارد که می‌تواند با به کارگیری آنها، هزینه‌های خود را کاهش داده و حتی علاوه بر تامین نیاز داخل در بازارهای جهانی نیز حضور داشته باشد، شرکت تهیه و تولید مواد معدنی که وظیفه استخراج از معدن انگوران را بر عهده دارد باید استخراج در سه شیفت کاری را در دستور کار خود قرار دهد تا بتواند مواد اولیه مورد نیاز این صنعت را تامین کند.

در این میان هرچند هیچ یک از این خواسته‌ها محقق نشده است و همواره با مشکل تامین مواد اولیه مواجه بوده‌ایم اما به فعالیت خود ادامه می‌دهیم و منتظر هستیم تا دولت، با واگذاری معدن انگوران که معدن اصلی تامین‌کننده ماده اولیه صنعت است به کنسرسیوم تولیدکنندگان این صنعت، گامی در جهت رفع مشکل تامین مواد اولیه این صنعت بردارد.

این در حالی است که با گذشت بیش از یک‌سال از مصوبه واگذاری این معدن به کنسرسیوم تولیدکنندگان متاسفانه هنوز این واگذاری انجام نشده است و منتظریم تا با واگذاری این معدن به تولیدکنندگان، مشکل تامین مواد اولیه برطرف شده و ظرفیت‌های خالی تولید به کار گرفته شود. بدون شک این تعلیل‌ها، هزینه‌های زیادی را به تولیدکنندگان تحمیل و کار را برای آنها سخت می‌کند.

در صورتی که این واگذاری اتفاق بیفتد، می‌تواند الگویی باشد برای سایر صنایع معدنی که همچون این صنعت برای تامین مواد اولیه خود با مشکل مواجه هستند، چراکه امور به دست متخصصان صنایع معدنی سپرده می‌شود و شعارها مبنی بر استفاده از متخصصان و به کار گرفتن فعالان بخش خصوصی در فعالیت‌ها محقق خواهد شد و در کنار آن، صنایع مختلف معدنی نیز می‌توانند با ظرفیت‌های کامل خود به فعالیت بپردازند. البته از یاد نبریم که اگر این اتفاق رخ دهد، قدم بزرگی نیز در زمینه اشتغال‌زایی برداشته می‌شود. امروز بیکاری به بحرانی برای اقتصاد تبدیل شده است. مسوولان دولتی باید باور کنند که با باز کردن مسیر فعالیت‌های صنعتی و معدنی، گام بزرگی در جهت تولید اشتغال نیز برداشته می‌شود. امروز، در همه جای دنیا به اثبات رسیده است که اشتغال تنها از طریق گشایش سرمایه‌گذاری‌ها در حوزه‌های صنعتی مرتفع خواهد شد. وقتی این همه تعلیل در حوزه‌های صنعتی وجود دارد به طور طبیعی اشتغال هم آن طور که باید به وجود نمی‌آید.

به این ترتیب هم ظرفیت‌های تولیدی که فعالان بخش خصوصی برای ایجاد آنها، سرمایه‌گذاری کرده‌اند، خالی نمی‌ماند تا سرمایه‌گذاران را نسبت به سرمایه‌گذاری دلسرد کند و هم توان تولید به کار گرفته می‌شد و نیاز کشور را تامین خواهد کرد.

در کنار این محاسن، صنایع معدنی نیز قابلیت برنامه‌ریزی پیدا خواهند کرد و با به کار گرفته شدن ظرفیت‌های خالی، اشتغالزایی پایدار ایجاد خواهد شد. اما متاسفانه تاکنون این واگذاری که باید یک‌سال پیش اتفاق می‌افتاد و مشکلات تامین مواد اولیه در این صنعت را برطرف می‌کرد، محقق نشده و ما همچنان منتظریم تا روزی را ببینیم که این مصوبه دولت به اجرا درآمده است.

*رییس انجمن سرب و روی

گذر

صنایع بورسی گرفتار ابهام

احسان رضاپور*

سال ۹۰ یا دست‌کم ماه‌های سپری‌شده از آن را نه برای سهامداران، نه برای بازار و نه برای صنایع بورسی نمی‌توان روزهای پررونق و امیدواری توصیف کرد؛ به عبارت دیگر این روزها وضعیت معاملات سهام شرکت‌های ۳۹ صنعت طبقه‌بندی‌شده در تالار شیشه‌ای با شرایط منطقی فاصله معناداری گرفته است. این همه را نیز می‌توان نتیجه سیاست‌های دولت در تدوین قوانین و مقررات و نظام‌های تعرفه‌گذاری دانست. با توجه به همه آنچه گفته شد، اگرچه قیمت سهام در بازار به کف رسیده و بورس بیش از هر زمان دیگری برای سرمایه‌گذاری و خرید جذاب به نظر می‌رسد، اما صاحبان نقدینگی تمایلی برای خریدهای جدید نشان نمی‌دهند. توضیح اینکه نه‌تنها سرمایه‌گذاران از نوسان‌های گاه و بی‌گاه هراسان شده‌اند، بلکه بر اساس اصل انتظار از آینده امیدوارند در روزهای آتی سهام را یا در قیمت‌های مناسب‌تر یا با ریسک کمتر به سبد دارایی‌های خود اضافه کنند، به همین دلیل دست به خرید نمی‌زنند. نکته دیگر درخصوص وضعیت صنایع حاضر در بورس اینکه هر کدام از آنها به تناسب تاثیری از تبعات سونامی هدفمندی یارانه‌ها را پذیرفته‌اند؛ به عبارت دیگر همزمان با بروز تاثیرات قانون جدید در زندگی روزمره مردم تبعات این قانون بر حال و روز و دخل و خرج صنایع نمود بیشتری پیدا کرده است. بسیاری از صنایعی که شرکت‌های عضو آنها در تابلو معاملات بورس صاحب نماد هستند، سود سال ۹۰ را با احتساب هدفمندی یارانه‌ها بسیار بدبینانه و کمتر از سال گذشته پیش‌بینی کرده‌اند هر چند که به نظر می‌رسد در ادامه و با بهبود وضعیت در بازارهای جهانی و مدیریت هزینه‌ها که شرکت‌ها با توجه به حذف یارانه‌ها ناچار هستند، بخشی از این بدبینی تعدیل شده و پیش‌بینی سود سال ۹۰ نسبت به برآوردهای اولیه افزایش یابد. قانون تحول اقتصادی اگرچه در بلندمدت قدرت رقابت‌پذیری شرکت‌ها و صنایع را در بازارهای جهانی افزایش خواهد داد، اما خواه‌ناخواه در کوتاه‌مدت چهره صنایع را متحول خواهد کرد. از سوی دیگر در میان صنایع حاضر در بازار سرمایه، صنایع انرژی‌بر که حذف یارانه سوخت کفه هزینه را بیش از دیگران برایشان سنگین کرده از وضعیت جدید تاثیر بالاتری پذیرفته‌اند هر چند که رشد قیمت محصولات گروهی از این صنایع می‌تواند بخشی از کاهش حاشیه سود آنها را جبران کند. در نهایت اینکه سهامداران بورس، امسال انتظار کمتری از صنایع بورسی برای سودآوری دارند و البته امیدوارند بهبود وضعیت بازار به احیای صنایع و افزایش سود منجر شود.

*کارشناس بازار سرمایه

دفتر مرکزی

نوبت دوم

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله ای
شماره ب/ق/۹۰-۶/۴

ستاد مرکزی کمیته امداد امام خمینی (ره) در نظر دارد نسبت به خرید تعداد ۲/۰۰۰/۰۰۰ عدد قلک کوچک پلاستیکی ABS از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله ای اقدام نماید که بدین وسیله از تولید کنندگان قلک های مذکور جهت شرکت در مناقصه ، دعوت بعمل می آید.

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۱/۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بصورت ضمانت نامه بانکی و مهلت و محل دریافت اسناد شرکت در مناقصه و تحویل پیشنهادات از تاریخ ۹۰/۴/۱۱ لغایت ۹۰/۴/۲۲ از ساعت ۹ صبح تا ساعت ۱۴/۳۰ (روزهای شنبه تا چهارشنبه) به نشانی تهران – ابتدای جاده لشگرک –سوهانک – مجتمع اداری فرهنگی ولایت – ساختمان یک طبقه اول اداره کل خدمات و تدارکات ، اداره بازرگانی و امور قراردادها ، تلفن : ۲۰۲۷ و ۲۳۹۰۲۷۶۳ با ارائه معرفی نامه کتبی .ضمنا متقاضیان می توانند از طریق پایگاه ملی اطلاع رسانی رسانی مناقصات به آدرس iets.mporg.ir نسبت به دریافت اسناد شرکت در مناقصه نیز اقدام نمایند.

اداره کل خدمات و تدارکات کمیته امداد امام خمینی (ره)

۶۵۷۹